



بررسی ادله جواز یا حرمت تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی*

دکتر مهدی ربانی^۱

دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

Email: mahdirabbani43@yahoo.com

دکتر عباسعلی روحانی

استاد پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

Email: abbasali-roohani@hotmail.com

چکیده

در آموزه‌های فقهی بر آمادگی دفاعی در برابر دشمنان تأکید فراوانی شده است. یک جنبه از این آمادگی، مجهز شدن به انواع ابزارآلات جنگی و دفاعی است و برخی از این ابزارآلات، سلاح‌های نامتعارفی چون هسته‌ای و شیمیایی‌اند که به دلیل غیرقابل مهار بودن آثار و قدرت تخریبی بسیار بالای آن‌ها، سلاح‌های کشتار جمعی نامیده شده‌اند. سؤال اساسی این است که صرف نظر از جواز یا عدم جواز به کارگیری، آیا از نظر شرعی تولید و انباشت این نوع سلاح‌ها جایز است؟ و دولت اسلامی می‌تواند به منظور آمادگی دفاعی در برابر دشمنان اقدام به این کار اقدام کند؟ اگر چه ظاهر برخی از آیات و روایات دلالت بر جواز، بلکه لزوم تولید و نگهداری این نوع سلاح‌ها به منظور حفظ آمادگی دفاعی در برابر دشمن می‌کند، لکن با توجه به هدف نهایی این آمادگی که تقویت زمینه صلح و امنیت است، می‌توان گفت مجهز شدن به این سلاح‌ها با این هدف منافات داشته و مشمول این ادله نیست. نیز به دلایلی دیگر از جمله اینکه تولید، انباشت و افزایش توان تخریبی این گونه سلاح، خود عامل خوف و هراس در جامعه بشری و برهم زدن امنیت و آرامش روحی است و اینکه مستلزم وارد شدن ضرر و آسیب جدی به محیط زیست و انسان است و نیز اینکه داشتن این سلاح‌ها، قدرت آفرین نبوده و امنیت حاصل از آن دروغین است و از این رو ضامن تحکیم و حفظ قدرت دارنده آن نیست؛ تولید و انباشت این سلاح‌ها کاری بیهوده، پرهزینه و پردردسر و مصداق اسراف و تضييع اموال بیت‌المال است و شرعاً جایز نیست.

کلیدواژه‌ها: سلاح کشتار جمعی، تولید و انباشت سلاح، صلح و امنیت، آمادگی دفاعی، قدرت

دفاعی.

* مقاله پژوهشی؛ تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵.

۱. نویسنده مسئول

Examining the Proofs of Permissibility or Prohibition of Production and Stockpiling of Weapons Mass Destruction

Mahdi Rabbani, Ph.D. Ph.D. Graduate of Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution (corresponding author)

Abbas Ali Rouhani, Ph.D. Professor, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution

Abstract

In jurisprudential teachings, there is a lot of emphasis on defense readiness against the enemies. One aspect of this readiness is being equipped with all types of war and defense tools, some of which are unconventional weapons such as nuclear and chemical weapons that, due to their uncontrollable effects and very high destructive power, are called weapons of mass destruction. Regardless of permissibility or non-permissibility of their application, the main question is whether it is permissible to produce and stockpile such weapons from the viewpoint of Sharia and can the Islamic state do this in order to prepare for defense against the enemies? Although the appearance of some verses and narrations indicates permissibility and even the need to produce and stockpile this type of weapons in order to maintain defense readiness against the enemies, considering the ultimate goal of this readiness which is to strengthen the background for peace and security, it can be said that being equipped with such weapons contradicts this goal and is not covered by those proofs. In addition, for other reasons including the argument that production, stockpiling and increasing the destructive power of such weapons, themselves, cause fear and terror in human society and disturb mental security and peace and imply serious harm to environment and humans and that owning these weapons is not empowering and the resulting security is unreal and subsequently, does not guarantee the consolidation and maintenance of their holder's power; production and stockpiling of these weapons are futile, costly and troublous tasks and examples of extravagance and squandering the public treasury and are not permissible according to Sharia.

Keywords: Weapons of Mass Destruction, Production and Stockpiling of Weapons, Peace and Security, Defense Readiness, Defense Power

مقدمه

استفاده کردن از مواد تولیدشده توسط جانوران، گیاهان، باکتری‌ها و ویروس‌ها علیه نیروهای انسانی و منابع غذایی در جنگ‌های بشر، سابقه‌ای هزاران ساله دارد. استفاده از سموم جانوری یا گیاهی برای سمي کردن سر تيرهاي جنگي، استفاده از لاشه حیوانات مرده از طاعون برای شکستن مقاومت داخل قلعه‌ها و آلوده کردن منابع آبی شهرها از نمونه‌های باستانی به‌کارگیری سلاح‌های نامتعارف است.

این رویه در جهان متمدن نیز با پیچیدگی بیشتر، گسترش روزافزون و ابداع انواع جدیدی از این نوع سلاح‌ها مانند سلاح‌های هسته‌ای ادامه یافت. قدرت تخریبی سلاح‌های مدرن کشتار جمعی و آثار سوء آن به‌حدی است که می‌توان از آن به‌عنوان خطری بالقوه که نسل بشر، بلکه همه موجودات زنده را تهدید می‌کند یاد کرد.

آنچه که در مورد این سلاح‌ها شایان توجه است اینکه این نوع سلاح‌ها تنها اهداف نظامی و رزمندگان را نابود نمی‌کند، بلکه این نوع سلاح‌ها خصوصاً سلاح‌های هسته‌ای هیچ‌ذی‌حیاتی را باقی نمی‌گذارد و حتی آیندگان نیز از آثار سوء آن در امان نیستند و باعث بیماری‌های رقت‌آور و ناتوانی جسمانی نسل‌های بعدی خواهد شد.

باتوجه به آثار سوء جبران‌نشدنی ناشی از به‌کارگیری این نوع سلاح‌ها که به‌دلیل قدرت تخریبی بسیار شدید و مهارنشدنی آثار آن‌ها، از یک طرف باعث کشته‌شدن شمار زیادی از انسان‌ها و خسارات فراوان به سازه‌های ساخت بشر و محیط‌زیست می‌شود و از طرف دیگر باتوجه به اینکه در اسلام بر آمادگی در برابر دشمنان و مجهز شدن به سلاح‌ها و ابزارآلات جنگی و دفاعی تأکید فراوانی شده است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا تولید و انباشت این نوع سلاح‌ها به‌منظور ایجاد این آمادگی از نظر شرع اسلام جایز است؟ در این مقاله به بررسی ادله جواز و عدم جواز تولید و انباشت این نوع سلاح‌ها می‌پردازیم.

تعریف سلاح کشتار جمعی

سلاح کشتار جمعی به جنگ‌افزایی گفته می‌شود که می‌تواند شمار بسیار زیادی انسان را کشته و خسارات فراوانی به سازه‌های ساخت بشر یا محیط‌زیست وارد کند. این سلاح‌ها در مقابل سلاح‌هایی قرار دارند که به سلاح‌های متعارف موسوم هستند. به‌طورکلی دو معیار برای تشخیص این سلاح‌ها از سایر تسلیحات مطرح است: یکی قدرت تخریبی این سلاح‌ها و دیگری اهداف آن‌ها.

بر اساس معیار دوم تنها به سلاح‌هایی می‌توان سلاح کشتار جمعی اطلاق کرد که ماهیتاً جز به‌منظور انهدام وسیع به کار نمی‌رود و آثار مخرب آن، چنان است که نمی‌توان به اهداف معینی محدود شود. این

آثار عموماً غیرقابل پیش‌بینی و مهارناشدنی است که به همین سبب این سلاح‌ها را سلاح وحشت نیز می‌نامند. (ممتاز، ۱۵-۱۶)

در حال حاضر سه نوع سلاح کشتار جمعی وجود دارد که عبارت‌اند از: سلاح اتمی، سلاح شیمیایی و سلاح بیولوژیک.

آثار زیانبار ناشی از کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی

اگرچه دانش هسته‌ای و شیمی و بیولوژیک در زندگی بشر دارای اهمیت فراوانی است و فوائد بی‌شمار بلکه حیاتی برای انسان دارد، لکن سلاح‌های ساخته‌شده در سایه همین علوم، دارای آثار وحشتناکی است که برای تصور صحیح‌تر از موضوع مورد بحث لازم است به بخشی از این آثار اشاره شود.

سلاح‌های هسته‌ای به دلیل اینکه از مواد هسته‌ای ساخته می‌شوند قدرت تخریب زیاد و کنترل‌نشده‌ای دارند که در صورت استفاده، حجمی وسیع از انرژی آزاد می‌کنند. این امر موجب کشتار و تخریب جمعی می‌گردد در صورتی که یک کلاهک گرمایی هسته‌ای یک مگاتنی در مناسب‌ترین ارتفاع روی یک شهر بزرگ منفجر شود تا پنج مایلی، موجودی زنده نخواهد ماند. پس از انفجار تا سال‌های طولانی تشعشعات زیانبار رادیواکتیو مانع ادامه حیات موجودات زنده در محل‌های نزدیک به انفجار می‌شود. اثر تشعشع یا پرتوهای رادیواکتیو (آلفا، گاما، نوترون) در اثر عمل یونیزه‌شدن به بافت‌های بدن انسان که در معرض تماس اشعه است، آسیب رساننده و علاوه بر آن ژنتیک انسان را دچار آسیب و تغییر می‌سازد. بروز سرطان خون و استخوان و جهش‌های مصنوعی از آثار بیولوژیک این سلاح‌ها بر انسان است (مشیرپور، ۱۳۷-۱۳۶).

همچنین سلاح‌های شیمیایی مانند گاز سارین، خردل و فسفوزن و مانند آن‌ها روی سیستم عصبی یا دستگاه تنفسی و یا روی پوست بدن آثار مرگ‌بار یا صدمات جبران‌ناپذیری را وارد می‌کنند، همچنان که نشر عوامل بیولوژیکی به وسیله بمب یا هواپیما و... موجب ابتلای درصد بالایی از جمعیت و مرگ دسته‌جمعی می‌شود. تاریخچه کاربرد این نوع سلاح‌ها، حاکی از آثار وحشتناک این نوع سلاح‌ها و کشتار دسته‌جمعی انسان‌ها به وسیله آن‌ها است.

بخش اول

دلایل جواز تولید سلاح‌های کشتار جمعی

مهم‌ترین ادله‌ای که برای تبیین حکم جواز تولید سلاح‌های کشتار جمعی می‌توان مطرح کرد، ادله وجوب آمادگی برای دفاع و لزوم مجهز شدن به سلاح‌هایی به منظور بازدارندگی دشمن است.

قسمت اول: آیات

آیه اول:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال: ۶۰)

«هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آن‌ها (دشمنان) آماده سازید و اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید»

این آیه شریفه یک اصل حیاتی و ضروری برای مسلمانان ترسیم کرده است که باید در هر عصر و زمان، مورد توجه و اهتمام مسلمانان قرار گیرد که آن لزوم آمادگی دفاعی و مجهزشدن به سلاح‌ها و تجهیزات مناسب روز در برابر دشمنان است.

حکم «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» امر به تهیه و تدارک هر چه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به طور کلی، امر به آماده‌باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش است» (خمینی، ولایت فقیه، ۳۳).

«کلمه اعداد به معنای تهیه کردن چیزی است تا انسان با آن چیز به هدف دیگری که دارد برسد که اگر قبلاً آن را تهیه ندیده باشد، به مطلوب خود نمی‌رسد و کلمه قوه در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان‌پذیر است؛ از قبیل اسلحه و مردان جنگی باتجربه و دارای سوابق جنگی و تشکیلات نظامی» (طباطبائی، ۱۱۴/۹)

با توضیحاتی که درباره آیه داده شد می‌توان نتایج زیر را از آیه به دست آورد:

نتیجه اول

کلمه «أَعِدُّوا» امر است و ظهور در وجوب دارد و در اینجا قرینه‌ای هم که به واسطه آن امر را حمل بر استحباب کنیم، وجود ندارد. بنابراین، این آمادگی و تهیه امکانات دفاع و مقابله با دشمن واجب است و اگر به این نتیجه رسیدیم که این آیه شامل تهیه سلاح‌های کشتار جمعی هم می‌شود، تولید و تهیه آن‌ها نه تنها جایز بلکه واجب است (حب‌الله، ۳۶۸/۲)

نتیجه دوم

جمله «مَا اسْتَطَعْتُمْ» برای تهیه امکانات، ابزارآلات و نیروهای جنگی و دفاعی یک حد بیشتر تعیین نمی‌کند و آن استطاعت است. بنابراین لزوم ارتقای قدرت دفاعی، محدود و مقید به چیزی نیست و همه امکانات را در بر می‌گیرد جمله «مَا اسْتَطَعْتُمْ» عام و کلمه «قوة» که به صورت نکره آمده است، عمومیت آن را تقویت کرده و هر گونه نیرویی را شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۲۷۳/۷)

روشن است که این آماده‌سازی نیرو و امکانات باید متناسب با زمان و برحسب مقتضیات زمان باشد؛

چراکه آیه، یک دستور وسیع برای همه قرون را بیان کرده است. بنابراین مفهوم وسیع آیه، هم از نظر زمانی و هم از نظر نوع آمادگی شامل سلاح‌های کشتار جمعی نیز می‌شود. برخی از محققان به این شمول تصریح کرده‌اند.

«آیه تصریح نموده است به اینکه ای مؤمنین! آماده کنید آنچه را که در توان دارید در هر زمانی به حسب مقتضیات آن زمان و اسلحه‌های آن زمان، چه از چوب و سنگ باشد و چه اسب‌های آماده و چه سلاح‌های هسته‌ای، همانطوری که در عصر ما وجود دارد». (یزدی، ۲۵۴/۲)

«آیه ظهور در آمادگی به منظور ایجاد ترس در دشمن دارد ولو اینکه جنگی واقع نشده باشد و این، قابلیت انطباق بر تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی یا حداقل بعضی از آن‌ها را دارد». (حب‌الله، ۳۶۸/۲)

اشکال به نتیجه دوم

امر به آمادگی و تهیه امکانات جنگی و دفاعی انصراف به سلاح‌های متعارف دارد و شامل سلاح‌های غیر متعارف یعنی سلاح‌های کشتار جمعی نمی‌شود و دلیل این انصراف، کثرت استعمال سلاح‌های متعارف است. از اشکال انصراف، دو پاسخ داده می‌شود.

پاسخ اول

انصراف انواع و اقسامی دارد که به‌طور کلی می‌توان آن را به دو قسم تقسیم کرد:

۱. انصراف ظهوری

در انصراف ظهوری منشأ انصراف، ظهور خود لفظ است؛ به این معنی که منشأ انصراف ذهن ما در اثر کثرت استعمال از یک لفظ به سوی یک فرد یا یک صنف از افراد یا اصناف، ظهور خود لفظ در آن فرد یا صنف باشد؛ یعنی این لفظ مطلق، در خصوص این فرد یا صنف آن قدر زیاد استعمال شده که در اثر کثرت استعمال، ظهور در این معنا پیدا کرده است، به طوری که هرگاه به‌طور مطلق به کار برده می‌شود، همین فرد یا صنف به ذهن خطور می‌کند؛ مثلاً کلمه حیوان وضع شده است برای مطلق آنچه که حیات دارد، خواه انسان باشد یا سایر حیوانات. اما در نزد عرف به‌علت اینکه این کلمه در غیر انسان بسیار استعمال شده است ذهن ما از استعمال این کلمه انصراف پیدا می‌کند به حیوانات دیگر غیر از انسان. چنین انصرافی مانع از تمسک به اطلاق است و به منزله قرینه لفظیه متصله است که مانع از ظهور کلام در اطلاق می‌باشد (نابینی، ۵۳۲/۱؛ خونی، دراسات فی علم الاصول، ۳۴۱/۲؛ مظفر، ۲۴۲/۱؛ صدر، ۱۴۱/۲).

۲. انصراف بدوی

در انصراف بدوی منشأ انصراف خود لفظ نیست، بلکه سبب انصراف و منشأ آن خارجی است؛ مثلاً

آن فرد یا صنف معین در خارج غلبه وجودی دارد و یا انسان‌ها با آن فرد یا صنف سروکار بیشتری دارند و در اثر ارتباط زیاد، ذهنشان با این فرد یا صنف مأنوس شده و از شنیدن آن لفظ همین مصداق به ذهن می‌آید بدون اینکه ظهور لفظی در کار باشد. چنین انصرافی مانع از تمسک به اطلاق کلام نیست؛ زیرا این انصراف بدوی است و با اندک تأملی زایل می‌شود (نایینی، ۵۳۲/۱؛ خوئی، دراسات فی علم الاصول، ۳/۴۱/۲؛ مظفر، ۲/۴۲/۱؛ صدر، ۱/۴۱/۲). چه اینکه دایره اطلاق «مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» وسیع‌تر از سازوبرگ جنگی و سلاح است و تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد، شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی (مکارم شیرازی، ۲۶۹/۷)؛ بنابراین همان طور که انصراف بدوی آیه به سازوبرگ جنگی و سلاح، با اندکی تأمل زایل می‌شود و مانع از ظهور کلام در مطلق توانمندی‌های مادی و معنوی نمی‌شود، انصراف بدوی به سلاح متعارف نیز با اندکی تأمل زایل شده و مانع از ظهور آیه در تمام سلاح‌های پیشرفته متناسب در هر عصر نمی‌شود.

پاسخ دوم

وقتی امری از طرف مولا صادر می‌شود و برای آن، هدف و غایتی ابراز می‌شود که فرد، نوع و یا صنف مطلوب را تعیین می‌کند و انصراف، تأثیری در این تعیین ندارد. در این آیه خداوند امر به اعداد قوا با هدف ایجاد خوف در دل دشمن کرده است. اینکه ما مأموریت داریم بر اساس امر در آیه، چه نوع نیرو و توانی را آماده سازیم، به تأمین آن هدف بستگی دارد (بزدی، ۲/۲۵۵).

«تجهیزات نظامی و دفاعی را تا مرز تهدید دشمنان گسترش دهید» (قرآنی، ۳/۴۶/۳).

«وحشت دشمن از توان رزمی مسلمانان تعیین‌کننده مرز قدرت نظامی ضروری در جامعه ایمانی

است» (هاشمی رفسنجانی، ۶/۴۰۰).

بنابراین اگر مثلاً فقط با تربیت نیروهای انسانی جنگجو این هدف حاصل نمی‌شود، باید به تأمین اسلحه کافی روی آورد یا مثلاً اگر داشتن سلاح‌های متعارف نیم‌قرن پیش، خوفی در دل دشمن ایجاد نمی‌کند باید سلاح‌های متعارف روز را تأمین کرد و همین‌طور اگر سلاح‌های متعارف، این هدف را تأمین نمی‌کند باید به سلاح‌های غیرمتعارف روی آورد. بنابراین انصراف در اینجا معنی ندارد، چه اینکه قید استطاعت «مَا اسْتَطَعْتُمْ» نیز شاهد بر این است که تمام توان را باید برای برآورده شدن آن هدف به کار گرفت و «قوة» را منحصر در نوعی خاص از توانمندی نمی‌کند؛ چه اینکه وقتی هدف حاصل شد دلیلی بر دستیابی به بیشتر از آن وجود ندارد.

«مقصود، ایجاد ترس در دشمن است که از آن تعبیر به بازدارنگی می‌شود. وقتی این هدف حاصل شد

دلیلی بر دستیابی بیشتر از این مقدار وجود ندارد» (حب‌الله، ۲/۳۶۹).

نتیجه سوم از آیه

هدف از امر به اعداد قوا در آیه، ایجاد هراس در دل دشمنان خداست: «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ». این یک هدف منطقی و انسانی است که باعث جلوگیری دشمن از اقدام به جنگ و تعدی و تجاوز می‌شود و دقیقاً این هدف در راستای صلح طلبی و استمرار آرامش و امنیت است.

مقید کردن آمادگی همه جانبه و افزایش توان رزمی با هدف ترساندن دشمنان شناخته و ناشناخته، خود دلیلی است که این آمادگی برای افروختن آتش جنگ، کشتار مردم، ویرانی آبادی‌ها، تصاحب اموال و سرزمین‌ها و گسترش اصول بردگی و استعمار نیست؛ بلکه هدف جلوگیری از بروز جنگ است (مکارم شیرازی، ۲۷۴/۷).

تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی، این هدف منطقی و انسانی را تأمین می‌کند. بنابراین آیه شریفه نه تنها دلیلی بر جواز تولید این نوع سلاح‌ها است، بلکه ما را به تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی به عنوان سلاح‌های پیشرفته روز به منظور تحقق آن هدف انسانی ملزم می‌کند. «العله نعمم» علت ذکر شده در آیه، علاوه بر اطلاق آن تعمیم‌دهنده حکم به هر آن چیزی است که این هدف را تأمین کند؛ از جمله سلاح‌های کشتار جمعی.

اشکال اول به نتیجه سوم آیه

در تأمین هدف معین شده در آیه به وسیله سلاح‌های کشتار جمعی این اشکال به نظر می‌رسد که مقصود، ایجاد خوف در دل دشمنان به منظور جلوگیری از جنگ و نهایتاً ایجاد امنیت و آرامش در جامعه انسانی است. در حالی که وجود سلاح‌های بسیار خطرناک کشتار جمعی و تولید و انباشت و افزایش توان تخریبی آن‌ها، خود عاملی برای برهم‌زدن امنیت و آرامش روحی جامعه است. نگاهی به آثار تخریبی و پیامدهای دردآور بمب‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک که در آغاز مقاله به آن اشاره شد، دل هر بشری را می‌لرزاند.

روزنامه انگلیسی «سان» با انتشار گزارشی نوشته است: «در صورت آغاز جنگ جهانی سوم، بمب‌های هسته‌ای روسیه قادر خواهد بود سواحل شرقی آمریکا را در مدت فقط سه دقیقه نابود نماید. تنها یکی از موشک‌های هسته‌ای می‌تواند برای همیشه ایالت نیویورک را نابود کند. علاوه بر این پنج تا شش موشک «ساناتا» «شیطان» کافی است ساحل شرقی آمریکا را از صحنه گیتی حذف نماید» (روزنامه کیهان ۶ آبان ۱۳۹۵ شماره ۲۱۴۷۴: صفحه آخر)

آیا وجود چنین سلاح خوفناکی ولو در دست مؤمنان برای جامعه بشری امنیت و آرامش روحی می‌آورد؟ بنابراین تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی، نقض غرض از امر در آیه است و محقق هدف

نهایی آیه که ایجاد امنیت در جامعه است، نمی‌باشد.

امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند که سلاح‌های کشتار جمعی نه تنها تأمین‌کننده صلح و امنیت جامعه بشری نیستند، بلکه مصیبت و تهدیدی جدی علیه بشریت و امنیت می‌باشند (خمینی، ۳۹۳/۱۷؛ khamenei.ir)

دقیقاً همین تهدید و ناآرامی حاصل از وجود سلاح‌های کشتار جمعی، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی را مجبور کرده است که با تنظیم قراردادهای بین‌المللی در جهت منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی بلکه خلع سلاح همه دارندگان این نوع سلاح‌ها، تلاش کنند. نمونه‌هایی از این معاهدات به شرح زیر است:

۱. پروتکل ژنو راجع به منع استعمال گازهای خفه‌کننده و مسموم‌شیه آن و همچنین مواد میکروبی در جنگ مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵.

۲. کنوانسیون منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره سلاح‌های باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام این سلاح‌ها سال ۱۹۷۲.

۳. معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) مصوب اول ژوئیه ۱۹۶۸.

۴. کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها مصوب ۱۹۹۳.

بنابراین تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی صرف‌نظر از اینکه در دست چه دولت‌هایی باشد تهدید جدی علیه بشریت است، همچنان که به این مطلب در متن معاهدات بین‌المللی که به آنها اشاره شد اذعان شده است. بنابراین تعبیر درست در اینجا این است که «العله تخصص» به این معنی که هر آنچه با علت نهایی حکم که تأمین امنیت و آرامش است منافات دارد از اطلاق آیه خارج می‌شود که از آن جمله تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی است.

بنابراین راه عاقلانه این نیست که در برابر دشمنان اسلام رقابت تسلیحاتی کشتار جمعی به راه بیاندازیم و با مجهز شدن به سلاح‌های کشتار جمعی این تهدید و خطر جهانی را افزایش دهیم بلکه راه عاقلانه تلاش مُجددانه در جهت حذف این نوع سلاح‌های خطرناک است.

اشکال دوم به آیه :

سلاح‌های کشتار جمعی مصداق ((قوة)) نیستند

یک اشکال موضوعی نیز در این آیه مطرح است و آن اینکه آیا تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی

در شرایط امروزی می‌تواند مصداق «قوة» در آیه باشد؟

اگرچه در ظاهر به نظر می‌رسد در اختیار داشتن سلاح‌های کشتار جمعی مخصوصاً سلاح‌های

هسته‌ای یک قدرت محسوب می‌شود و ابرقدرت‌ها با تکیه به قدرت هسته‌ای و مجهز بودن به سلاح‌های اتمی در دنیا سلطه پیدا کرده‌اند و حتی پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل، حق و تورا در سایه همین توانمندی به دست آورده‌اند، لکن در شرایط امروزی برخورداری از این سلاح‌ها تأمین‌کننده امنیت دارندگان آنها نیست. امروزه پاکستان به‌عنوان کشوری که دارای بمب اتمی است، نه تنها در سطح بین‌المللی بلکه در سطح منطقه نیز یک قدرت محسوب نمی‌شود، همچنان که زرادخانه هسته‌ای اسرائیل توانست از شکست این رژیم در برابر جبهه مقاومت در لبنان و فلسطین جلوگیری کند و کره شمالی با دستیابی به سلاح هسته‌ای تبدیل به قدرت جهانی نشد، چه اینکه این سلاح از فروپاشی شوروی جلوگیری نکرد؛ بنابراین دستیابی به این سلاح‌ها قدرت‌آفرین نیست. برخی از اندیشمندان نیز به این امر اذعان کرده‌اند. «ونسانت دپورت» اندیشمند فرانسوی در این باره می‌گوید:

«اندیشه هسته‌ای که در بدو امر مسئله اصلی تفکر استراتژیک بود، امروزه دیگر جایگاه سابق خود را از دست داده است. در واقع وجود سلاح هسته‌ای نه لازم است و نه ضامنی برای تضمین امنیت؛ چرا که حمله‌های دائمی صورت گرفته امروزه را نمی‌توان با سلاح هسته‌ای پاسخ داد».

(monde-diplomatique.fr/2013/06/desporttes/49174)

«استفان والت» استاد دانشگاه هاروارد بر این عقیده است که برخلاف آنچه بسیاری از مردم فکر می‌کنند، هم تاریخ و هم فرضیه به ما می‌گوید که سلاح هسته‌ای تأثیر کمی در قدرت یک کشور و نفوذ آن دارد. (foreign policy 2012/11/30)

مهم‌ترین دلیل بر قدرت محسوب‌نشدن سلاح‌های کشتار جمعی خصوصاً تسلیحات هسته‌ای این است که امکان به‌کارگیری این سلاح‌ها وجود ندارد: از آنجاکه اولاً خطرات ناشی از به‌کاربردن این سلاح‌ها چه از نظر زیست‌محیطی و چه از نظر مقابله‌به‌مثل قدرت‌های مخالف، دامن به‌کارگیرندگان این سلاح‌ها را خواهد گرفت؛ ثانیاً به‌کاربردن این سلاح‌ها انزجار افکار عمومی و محکومیت جامعه بشری را به دنبال داشته و خواهد داشت، لذا هیچ قدرتی به خود اجازه استفاده از این سلاح‌ها را نمی‌دهد و در چنین شرایطی وجود این سلاح‌ها به مانند قدرتی غیرقابل اعمال می‌ماند و تهدید ناشی از دارا بودن این سلاح‌ها جدی نیست، لذا این تهدید کاربرد ندارد. (khamenei.ir) ۱۳۹۰/۱۲/۲

علاوه بر اینکه این سلاح‌ها نمی‌تواند حکومت‌ها و رژیم‌های مخالف را از بین ببرد، همچنان که با بمباران اتمی دو شهر ژاپن، حکومت ژاپن از بین نرفت بلکه فقط انسان‌های بی‌گناه و سرزمین‌ها نابود شدند.

به موارد فوق می‌توان این را هم اضافه کرد که امروزه در مخاصمات و جدال‌های زبانی بین کشورهای

درگیر با هم و حتی در تهدیدات ابرقدرت‌ها یا اثری از تهدید به استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی وجود ندارد و یا جدی نیست.

ابرقدرت‌ها کشورهای مخالف خود را تحریم اقتصادی، تهدید به مداخله نظامی و... می‌کنند، ولی تهدید به استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی نمی‌کنند و این مطلب در خصوص سلاح‌های شیمیایی و میکروبی نمود بیشتری دارد.

به کارگیری سلاح شیمیایی حتی در سطح محدود، بلافاصله محکومیت جهانی و انزجار افکار عمومی را به دنبال دارد. کشورهای دارنده این نوع سلاح‌ها نیز با صراحت و شدت این موارد را محکوم می‌کنند، حتی مباحثان و عاملان اصلی این جنایت‌ها تلاش می‌کنند با انداختن این جنایات به گردن دیگری و گرفتن انگشت اتهام به سوی مخالفان خود، خود را از این نوع جنایت میرا سازند.

باتوجه به آنچه در این دیدگاه بیان شد، می‌توان گفت: بر اساس این دیدگاه مجهز بودن به سلاح‌های کشتار جمعی قدرت محسوب نمی‌شود و مصداق «قوة» نیست؛ بنابراین حکم «و أعدوا» بر آن بار نمی‌شود. به عبارت دیگر، سلاح‌های کشتار جمعی تخصصاً از موضوع «قوة» خارج‌اند و تلاش برخی کشورها برای دستیابی به این نوع سلاح‌ها نیز یک اشتباه محاسباتی است، چه اینکه بر اساس شواهدی که ذکر شد نمی‌توان پذیرفت که عرف جامعه بین‌الملل به‌عنوان مرجعی برای تعیین مصداق موضوعاتی مانند قدرت بر قدرت بودن سلاح‌های کشتار جمعی مهر تأیید بزند.

آیه دوم

یکی دیگر از آیاتی که به‌عنوان دلیل جواز تولید سلاح‌های کشتار جمعی می‌تواند بررسی شود، آیه ۷۱

سوره نساء است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا تَبَاتٍ أَوْ انْفِرُوا جَمِيعًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته‌های متعدد یا به‌صورت دسته واحد به‌سوی دشمن حرکت نمائید.

حذر به معنی بیداری و آماده‌باش و مراقبت در برابر خطر است.

معنی حذر به‌قدری وسیع است که هر گونه وسیله مادی و معنوی را در بر می‌گیرد. مسلمانان باید برای دفاع از خویش هر گونه آمادگی از نظر روانی و معنوی و از نظر بسیج منابع فرهنگی، اقتصادی و انسانی و همچنین استفاده از کامل‌ترین نوع سلاح زمان و طرز به‌کارگرفتن آن را فراهم سازند (مکارم شیرازی، ۱۴/۴).

با این وصف، جمله «خُذُوا حِذْرَكُمْ» نسبت به «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» اعم است (جوادی

آملی، ۱۹/۴۶۴).

بنابراین یکی از مصادیق (حذر) آمادگی نظامی و مجهزشدن به مدرن‌ترین سلاح‌های روز است که شامل سلاح‌های پیشرفته کشتار جمعی نیز می‌شود و امر در آیه نه‌تنها دلالت بر جواز این نوع آمادگی می‌کند، بلکه ظهور در وجوب و دلالت بر لزوم آمادگی دارد.

اشکال به استدلال به آیه دوم

همان‌طور که گذشت هدف و مقصود در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» ارهاب و ترساندن دشمن به منظور بازدارندگی از اقدام او به جنگ بود که ثمره آن تحقق امنیت در جامعه بشری و خصوصاً امنیت مسلمانان است. با این توضیح می‌توان گفت که امر به إعداد در آیه ۶۰ انفال بیشتر ناظر به قبل از وقوع جنگ است.

بنابراین هدف، بیشتر ارهاب است نه اعمال و استفاده، ولی آیه «خُذُوا حِذْرَكُمْ» (نساء: ۷۱) ظاهراً بیشتر ناظر به حین جنگ و دفاع است و فضا، فضای اعمال و استفاده از توانایی و تجهیزات است (جوادی آملی، ۱۹/۴۷۲)؛ چرا که به دنبال آن می‌فرماید:

«فَانْفِرُوا تَبَاتٍ أَوْ أَنْفِرُوا جَمِيعًا»؛ «و در دسته‌های متعدد یا به صورت دسته واحد (طبق شرایط موجود) به سوی دشمن حرکت نمایید».

بنابراین اگر «حذر» شامل تجهیزات جنگی می‌شود، تنها تجهیزاتی را شامل می‌شود که ما مجاز به استفاده از آن‌ها باشیم؛ لذا شمول «حذر» نسبت به سلاح‌های کشتار جمعی مشروط به جواز استفاده از این سلاح‌ها است؛ به عبارت دیگر در صورتی ما می‌توانیم بگوییم «حذر» شامل سلاح‌های کشتار جمعی می‌شود که در بحث استفاده و به‌کارگیری این سلاح‌ها حکم به جواز بدهیم.

آیه سوم

آیه ۸۰ سوره انبیاء و آیه ۱۰ و ۱۱ سوره سبأ نیز می‌تواند برای جواز تولید سلاح مورد استدلال قرار بگیرد. از آنجاکه موضوع هر دو آیه، ساختن زره توسط حضرت داود است، لذا درباره هر دو آیه یک‌دفعه بحث می‌کنیم:

«وَعَلَّمَنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ»

«و ساختن زره را به او تعلیم دادیم تا شما را در جنگ‌هایتان حفظ کند آیا شکرگزار (نعمت‌های خدا)

هستید؟» (انبیاء: ۸۰)

«وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرُ وَ أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ

وَ أَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

«و آهن را بر او نرم کردیم (و به او گفتیم) زره‌های کامل و فراخ بساز و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن و عمل صالح به جا آورید که من به آنچه انجام می‌دهید بینا هستم.» (سبأ: ۱۱-۱۰)

در مجمع البیان آمده است: «مراد از «لبوس» نام هر نوع سلاحی است زره یا سپر یا شمشیر یا نیزه و گفته شده مراد زره است» (طبرسی، ۱۰۱/۷) و همچنین از قتاده نقل می‌کند: «بِنِ اَعْمَلِ سَابِغَاتٍ؛ یعنی به او گفتیم از آهن زره‌های کامل بساز» (طبرسی، ۲۰۰/۸).

با این توضیحات مراد از «سایغ» زره کامل است ولی درباره «لبوس» دو احتمال داده می‌شود که مراد هر نوع اسلحه‌ای باشد یا اینکه مراد خصوص زره باشد.

ممکن است به این دو آیه استدلال شود که خداوند به حضرت داود(ع) ساختن سلاح را تعلیم فرموده و به او امر به ساختن آن کرده است تا در جنگ، از آن برای جلوگیری از ضربات دشمن استفاده شود و این خود دلیل جواز مجهز شدن به هر نوع سلاحی است و روشن است که این از احکام اختصاصی انبیاء یا حضرت داود(ع) نیست.

اشکال به استدلال به آیه سوم

از آنجایی که هر دو آیه مربوط به داود(ع) است و در «سابغات» هیچ‌کس نگفته است مراد مطلق اسلحه است، احتمال قوی داده می‌شود که مراد از «لبوس» نیز فقط زره باشد. جمله «لَتَحْصَنَكُمْ مِنْ أَسْكَم» نیز مؤید این مطلب است (هاشمی رفسنجانی، ۳۲۹/۱۱) که آنچه به داود(ع) تعلیم داده شده، ساختن وسیله دفاعی بوده است چه اینکه روایت نقل شده از امام صادق(ع) در مجمع البیان نیز مؤید همین احتمال است (طبرسی، ۲۰۰/۸). همچنان که «لبوس» از ماده لُبَس و پوشش گرفته شده و این نیز شاهدی دیگر بر این احتمال است. علامه طباطبائی نیز آیه ۸۰ انبیاء را این‌گونه معنی می‌کند: «یعنی به داود(ع) یاد دادیم چگونه برای شما زره بسازد تا شما را از شدت ضربات اسلحه حفظ کند» (طباطبائی، ۳۱۰/۱۴).

با این وصف روشن است که آیه فقط دلیلی برای جواز ساخت ابزارآلات دفاعی است و سلاح‌های کشتار جمعی یک ابزار دفاعی نیستند، لذا امر به ساخت در آیه شامل سلاح‌های کشتار جمعی نمی‌شود. احتمال اینکه مراد از لبوس مطلق سلاح باشد، با توجه به قرآنی که گذشت ضعیف است و بر فرض این احتمال، واژه «لبوس» نهایتاً شامل سلاح‌های متعارف می‌شود که برای محفوظ ماندن از خطرات و ضربات در جنگ است نه هر سلاحی.

قسمت دوم: روایات

روایت اول

امیرالمؤمنین علی(ع) در بخشی از خطبه ۲۶ نهج البلاغه خطاب به مردم کوفه می‌فرماید: «خُدُوا

لِلْحَرْبِ أَهْبَتَهَا وَ أَعْدُوا لَهَا عُدَّتْهَا فَقَدْ سَبَّ لَطَاهَا وَ عَلَا سَنَاهَا وَ اسْتَشَعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَى النَّصْرِ»
 «ای مردم کوفه آماده پیکار شوید و سازوبرگ جنگ فراهم آورید؛ زیرا آتش جنگ زبانه کشیده و شعله‌های آن بالا گرفته است. صبر و استقامت را شعار خویش سازید که پیروزی آور است» (سیدرضی؛ خطبه ۲۶)

روایت دوم

همچنین امیرالمؤمنین علی (ع) در بخشی از خطبه ۶۵ نهج البلاغه می‌فرماید:
 «ای گروه مسلمانان! پوشش دفاعیتان را کامل و کامل‌تر کنید. پیش از آختن، شمشیرها را در نیام بجنابانید» (سیدرضی؛ خطبه ۶۵)

از هر دو کلام امیرالمؤمنین علی (ع) بر می‌آید که فراهم کردن سازوبرگ جنگی و امکانات دفاعی و آزمایش اسلحه و مهمات جنگی قبل از نبرد امری ضروری است و باتوجه به نقش مهمی که وسائل دفاعی و ابزار جنگی در نبرد دارد مسلمانان باید از تمام امکانات در جهت فراهم کردن وسائل دفاعی و ابزار جنگی استفاده کنند.

روایت سوم

در بخشی از سخنان امام حسین (ع) در جنگ صفین آمده است:
 «هرکه آماده جنگ شود و سازوبرگ خود را برای آن آماده کند و در گرماگرم پیکار از زخم‌هایش ننالند، مرد میدان نبرد است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۸۶/۳؛ نصرین مزاحم المنقری، ۱۱۵)
 ممکن است به این روایات و مانند آن استدلال شود که تعبیری مثل «اهبه» و «عدة» مطلق هستند و باتوجه به معانی لغوی آن‌ها «اهبه به معنی آمادگی و سازوبرگ جنگی» (جوهری، ۸۹/۱) و «عدة به معنی آن چیزی که برای امری آماده می‌شود، اعم از مال و سلاح» (ابن منظور، ۲۸۴/۳) شامل هر نوع آمادگی و سازوبرگ جنگی می‌شوند اعم از متعارف و غیرمتعارف، و عموم یا اطلاق این روایات سلاح‌های کشتار جمعی را به‌عنوان یک سازوبرگ جنگی شامل می‌شود.

رد استدلال به روایات

در باره این روایات علاوه بر ضعف سند روایت سوم، باید گفت دلالت تعبیری که ذکر شد (اهبه و عدة) و ظهور آن‌ها، قوی‌تر از تعبیر «وَأَعْدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (انفال: ۶۰) و «حُدُوا حِذْرَكُمْ» (نساء: ۷۱) نیست و همان اشکالی که در دو آیه وارد شد، درباره این روایات نیز وارد است و آن اینکه سلاح‌های کشتار جمعی در شرایط امروزی همان طور که مصداق «قوه» و «حذر» نیستند، مصداق «عدة» نیز محسوب نمی‌شوند.

بخش دوم**ادله حرمت تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی**

در بخش اول به بررسی دلایل وجوب و یا جواز تولید سلاح‌های کشتار جمعی پرداختیم و همان طور که گذشت دلیلی خالی از اشکال یافت نشد، لذا در این بخش به بررسی ادله حرمت تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی می‌پردازیم.

دلیل اول: مقدمه حرام

بررسی این دلیل با این فرض است که ما استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را به هر دلیلی از جمله دلیل حرمت اهلاک الحرث و النسل (حب الله، ۳۷۰/۲) حرام بدانیم، بنا بر این فرض، تولید این نوع سلاح‌ها و انباشت و نگهداری آن‌ها مقدمه استفاده از آن‌هاست و مقدمه حرام، حرام است.

رد دلیل اول

اینکه مقدمه حرام، حرام است و بین حرمت ذی‌المقدمه و حرمت مقدمه، ملازمه عقلیه وجود دارد در علم اصول مورد بحث و مناقشه است.

آخوند خراسانی بین مقدمه تولیدیه و غیر آن فرق گذاشته است (آخوند خراسانی، ۱۲۸). با این توضیح که گاهی اوقات مقدمه به‌گونه‌ای است که اگر انجام گیرد، انجام ذی‌المقدمه اختیاری نخواهد بود، در این صورت مقدمه حرام خواهد بود (نایینی، ۲۴۹/۲). ولی اگر مقدمه به‌گونه‌ای باشد که با انجام آن، ذی‌المقدمه از اختیار خارج نمی‌شود و با وجود انجام مقدمه، باز هم فاعل اختیار دارد ذی‌المقدمه را انجام ندهد؛ در این صورت مقدمه حرام نخواهد بود (نایینی، ۲۵۰/۲؛ خوئی، دراسات فی علم الاصول، ۳۶۲/۱؛ صدر، ۲۶۱/۵).

امام خمینی تفصیل آخوند را نفی می‌کند (خمینی، مناهج الوصول، ۴۱۶/۱) و محقق خوئی حرمت نوع اول از مقدمه حرام را متوقف بر قول به وجود ملازم بین وجوب شیء و وجوب مقدمه آن دانسته و آن را نفی می‌کند (خوئی، محاضرات فی الاصول، ۲۸۴/۲).

بر فرض که تولید سلاح‌های کشتار جمعی مقدمه حرام باشد نه از نظر امام خمینی و محقق خوئی حرام است و نه حتی از نظر آخوند خراسانی و مرحوم نائینی؛ چراکه از مقدمات تولیدیه نیست. بنابراین تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی به‌عنوان مقدمه حرام، حرام نیست و این دلیل، برای اثبات حرمت تمام نمی‌باشد.

دلیل دوم: تهدیدکننده صلح و امنیت جهانی است

همان طور که قبلاً در بیان اشکال دوم به آیه ۶۰ انفال گذشت، تولید و انباشت و افزایش توان تخریبی

سلاح‌های بسیار خطرناک کشتار جمعی خود عاملی برای ایجاد خوف و هراس در جامعه بشری و برهم‌زدن امنیت و آرامش روحی جامعه است.

مفسران و فقها در ذیل آیه ۳۳ سوره مائده، محارب را به کسی تفسیر می‌کنند که اسلحه کشیده و مردم را می‌ترساند.

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۳۳)

«کیفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند (و با تهدید اسلحه به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) فقط این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آن‌ها، به عکس یکدیگر بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن‌ها در دنیاست و در آخرت مجازات عظیمی دارند».

صرف نظر از حکم محارب و بحث‌های مختلفی که درباره حد محارب وارد شده است، در اینجا فقط کلام فقها را در خصوص معنی محارب بررسی می‌کنیم.

اگرچه نگاه برخی از فقهای شیعه در تعریف محارب معطوف به امنیت اقتصادی است و محارب را به راهزنانی که سلاح برکشیده و راه‌ها را برای غارت اموال ناامن می‌کنند، تعریف کرده‌اند؛ مانند شیخ طوسی در الخلاف و علامه حلی در قواعد الاحکام که اخذ مال را در صدق عنوان محاربه لازم می‌شمارد (طوسی، ۵/۴۵۷؛ علامه حلی، ۳/۵۶۸). لکن نگاه بیشتر فقها معطوف به امنیت اجتماعی است که اعم از امنیت اقتصادی است.

علامه طباطبائی در المیزان مراد از محاربه را اخلال به امنیت عمومی می‌داند. «مراد از محاربه و افساد به طوری که از ظاهر آیه بر می‌آید، اخلال به امنیت عمومی است و امنیت عمومی وقتی خلل می‌پذیرد که خوف عمومی و ناامنی، جای امنیت را بگیرد و ترس عمومی نیز طبعاً و عادتاً از طریق به‌کارگیری سلاح و تهدید به قتل ایجاد می‌شود» طباطبائی، ۵/۳۲۷).

سخن شیخ طوسی در تفسیر تبیان، صریح است در اینکه محاربه در آیه مبارکه اختصاص دارد به معنای سلاح کشیدن به قصد ترساندن مردم و سلب امنیت (شیخ طوسی، ۳/۵۰۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱/۳۶۰) و در المبسوط درباره محارب می‌گوید: «آنچه اصحاب ما روایت کرده‌اند اینکه مراد از محارب هر کسی است که اسلحه بکشد و مردم را بترساند چه در دریا و چه در خشکی، چه در شهر و چه در بیابان» (شیخ طوسی، ۸/۴۷). فاضل مقداد در کنز العرفان و ابن‌ادریس در بخش حدود کتاب سرائر نیز همین نظر را

دارند (فاضل مقداد، ۳۵۲/۲؛ ابن‌ادریس، ۵۰۵/۳).

همان‌طور که مشاهده می‌شود هر کسی که اسلحه بکشد و مردم را بترساند، محارب است. امام خمینی نیز در تعریف محارب همین نظر را دارند: «محارب کسی است که شمشیرش (سلاحش) را برهنه کند یا آن را تجهیز نماید تا مردم را بترساند و می‌خواهد در زمین افساد کند» (خمینی، تحریر الوسیله، ۸۸۹)

همچنین از اطلاق کلام برخی از فقها چنین برداشت می‌شود که لازم نیست این ایجاد ترس در بین مسلمانان باشد. تعبیر «لاخافة الناس» که در کلمات فقها آمده است، مشعر به این عمومیت می‌باشد و صاحب‌جواهر ایجاد ترس نسبت به هر کسی که امنیت او لازم است را در تحقق عنوان محارب کافی می‌داند و در این باره فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان قائل نیست (صاحب‌جواهر، ۵۶۴/۴۱)، چه اینکه فرقی بین بلاد اسلام و غیر آن قائل وجود ندارد (همو، ۵۶۴/۴۱؛ طوسی، النهایة، ۷۲۰).

کما اینکه برای تحقق عنوان محارب، قصد افساد در زمین کفایت و تحقق خارجی افساد و عملی کردن آن شرط نمی‌باشد، نتیجه چنین برداشتی از قید «يُسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» در آیه این است که هر کسی سلاح بکشد و مردم را بترساند و قصد افساد در زمین داشته باشد ولو اینکه موفق به تحقق فساد در خارج نشود، مصداق محارب است (هاشمی شاهرودی، ۳۸۹/۱).

وقتی اسلام برای شمشیرکشیدن و ترساندن مردم و برهم‌زدن امنیت و آرامش اجتماعی چنین مجازات سنگینی در نظر گرفته است، بدان معناست که هر چیزی که تهدیدکننده امنیت و آرامش جامعه باشد محکوم به ممنوعیت است. حال باتوجه به آثار تخریبی و وحشتناکی که این سلاح‌ها دارد و قبلاً به بخشی از آن‌ها اشاره شد و باتوجه به اینکه زمانی که لازم است تا با استفاده از سلاح کشتار جمعی میلیون‌ها انسان را نابود کرد، بسیار کمتر است از زمانی که لازم است یک محارب با شمشیر، حداکثر صد نفر انسان را به قتل برساند. روشن است که مجهز شدن به این نوع سلاح‌ها بسیار خطرناک‌تر از شمشیر برهنه یک محارب است و به طریق اولی مشمول معنی اصطلاحی محاربه می‌شود و کمی توجه به این نوع سلاح‌ها و آثار آن‌ها و زمان لازم برای استفاده از آن‌ها برای اذعان به تهدیدبودن آنها علیه صلح و امنیت جهانی کفایت. شاهد این مطلب مطالبه عمومی و تلاش بسیاری از کشورها برای جلوگیری از تولید این سلاح‌ها و نابود کردن سلاح‌های موجود است.

معاهدات بین‌المللی در این خصوص و محتوای این معاهدات که بخشی از آن قبلاً گذشت خود مؤید این مطلب است. به‌عنوان مثال در پیمان (NPT) آمده است:

باتوجه به ویرانی‌هایی که یک جنگ هسته‌ای برای بشریت به بار خواهد آورد و نتیجه لزوم مجاهدت

همه جانبه در دفع خطر یک چنین جنگی و اقدام در راه حفظ امنیت مردم و با ايقان به اینکه گسترش سلاح‌های هسته‌ای خطر جنگ هسته‌ای را شدیداً افزایش خواهد داد (ممتاز، ۹۴).

آیت‌الله خامنه‌ای تولید و انباشت سلاح‌های هسته‌ای را تهدید علیه بشریت می‌داند و به خواست مؤکد و مکرر جامعه جهانی برای نابودی این سلاح‌ها توجه می‌دهد (*khamenei.ir*) ۱۳۸۹/۱/۲۷

آیا وجود این نگرانی‌ها و مطالبات شاهد این نیست که تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی یک تهدید جدی برای صلح و امنیت جهانی است؟

دلیل سوم: حرمت اضرار به غیر

این دلیل مبتنی بر این است که سعی و تلاش برای دستیابی و تولید سلاح‌های کشتار جمعی ضرر و آسیب جدی به محیط‌زیست و در نهایت به انسان حتی به نسل‌های آینده می‌زند. کبرای قضیه یعنی حرمت اضرار به غیر، امری مسلم و مدلل به دلایل عقلی و نقلی است. علاوه بر اینکه اضرار به غیر، ظلم است و قبح ظلم از مستقلات عقلیه است. آیاتی مانند سوره بقره (۲۳۳، ۲۳۷، ۲۸۲) و آیه ۶ طلاق و همچنین روایات متعددی دلالت به این حکم دارد (روحانی، ۲۹۵/۵) و اما صغرای قضیه یعنی اینکه دستیابی به این نوع سلاح‌ها مستلزم ضرر و آسیب جدی به محیط‌زیست و بشر می‌باشد، امری است که باید در مورد آن به متخصصان این امر و کاشناسان مراجعه کرد (حب‌الله، ۳۴۶/۲). گزارش‌های متخصصان این امر حاکی از این واقعیت است که تشعشعات خطرناک و خاکسترهای اتمی ناشی از آزمایش‌های اتمی که تا شعاع صدها و یا هزاران کیلومتر به اطراف پراکنده می‌شود، موجب بسیاری از بیماری‌ها نظیر سرطان می‌گردد. آثار و نتایج وخیم ناشی از پخش مواد و ذرات رادیواکتیو در فضا علاوه بر آلودگی محیط‌زیست و بهداشت، موجب صدمه به نسل‌های آینده می‌شود. این آثار اختصاص به آزمایش‌های هسته‌ای ندارد، بلکه هر گونه آلودگی هسته‌ای و همچنین زباله‌ها و فضولات آن موجب چنین آثار خطرناکی است (مشیرپور، ۱۰۳-۱۱)

آنچه که در این دلیل قابل مناقشه و توجه است اینکه این اضرار به غیر، به شرطی بر حرمت خود باقی است که با مصلحت دیگری که اهم از آن باشد تزاخم نداشته باشد، چه اینکه آزمایش‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی که به منظور مقاصد صلح‌آمیز مانند تولید انرژی، مصارف پزشکی هسته‌ای، تولید واکسن‌ها و... صورت می‌گیرد، با اینکه دارای آثار سوء می‌باشد ولی به دلیل اهمیت آن اهداف صلح‌آمیز و گاهی حیاتی بودن آن مقاصد، ممنوع نمی‌باشد و حکم حرمت بر آن بار نمی‌شود. در مورد سلاح‌های کشتار جمعی نیز اگرچه دستیابی به آنها از طرفی منجر به اضرار به غیر می‌شود و حرام است ولی ممکن است گفته شود که از طرف دیگر به استناد آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ...» و به دلیل وجوب آمادگی در برابر دشمنان و اعداد قوا به منظور ارباب آنان این دستیابی واجب و لازم است. در این صورت این موضوع از مصادیق باب

تزام خواهد بود که حکم التزام یعنی تقدیم اهم در آن جاری خواهد شد (حب‌الله، ۳۶۸/۲) ولی بر اساس آنچه که قبلاً در بخش اول گذشت هیچ‌کدام از ادله جواز تولید سلاح‌های کشتار جمعی تمام نبود؛ بنابراین وجوب دستیابی و تولید این نوع سلاح‌ها ثابت نیست تا با حرمت اضرار تنازع کند و اشکال و مناقشه در دلیل سوم حرمت وارد نیست.

دلیل چهارم: لغو و اسراف

وقتی سلاح‌های کشتار جمعی خصوصاً تسلیحات هسته‌ای در شرایط امروزی که انزجار افکار عمومی و محکومیت جامعه بشری مانع از استفاده از آنها می‌شود قابل استفاده نیست و امنیت حاصل از آن همان طور که قبلاً گذشت یک امنیت کاذب و خیالی است، بنابراین هزینه کردن منابع بی‌شمار اقتصادی و انسانی برای آن، مصداق بارز اسراف و تضييع اموال عمومی است و حرمت اسراف و تضييع اموال، امری بدیهی است.

آیت‌الله خامنه‌ای تولید سلاح‌های کشتار جمعی را کاری بیهوده، پرهزینه، پردردسر و پرخطر می‌داند. «ما استفاده از این تسلیحات را گناه بزرگی می‌دانیم و نگاه داشتش را یک کار بیهوده، پر ضرر و پرخطر می‌دانیم» (khamenei.ir) ۱۳۹۰/۱۲/۳

«تسلیحات هسته‌ای جز هزینه ایجاد و هزینه نگهداری، هیچ فایده‌ای ندارد» (khamenei.ir)

۱۳۸۷/۳/۱۴

«منابع خارج از شمار اقتصادی و انسانی در رقابت غیرعقلانی هزینه شده‌اند تا هر یک از ابرقدرت‌ها

توان خیالی پیدا کنند» (khamenei.ir) ۱۳۸۹/۱/۲۷

و به بیانی که قبلاً گذشت از آنجایی که برخورداری از این نوع سلاح‌ها مصداق قوه در آیه ۶۰ انفال

نیست، لذا این آیه نمی‌تواند دلیلی بر خروج تخصصی این سلاح‌ها از ادله حرمت لغو و اسراف باشد.

نتیجه

مهم‌ترین ادله برای جواز تولید سلاح‌های کشتار جمعی، ادله وجوب آمادگی برای دفاع و لزوم مجهز شدن به سلاح‌هایی به منظور بازدارندگی دشمن است. اگرچه ظاهر برخی از آیات و روایات خصوصاً آیه ۶۰ سوره انفال دلالت بر جواز، بلکه وجوب مجهز شدن به هر سلاحی از جمله سلاح‌های کشتار جمعی به منظور ارباب دشمنان و با هدف نهایی ایجاد صلح و امنیت دارد، لکن از آنجایی که اولاً وجود این سلاح‌های بسیار خطرناک و تولید و انباشت و افزایش توان تخریبی آنها خود عاملی برای برهم زدن امنیت و آرامش روحی جامعه است و با آن هدف نهایی منافات دارد؛ و ثانیاً در شرائط امروزی دستیابی به این نوع

سلاح‌ها به دلیل عدم امکان استفاده از آن‌ها قدرت محسوب نمی‌شود و تخصصاً از این ادله خارج است، لذا ادله و جوب تمام نیست و از طرف دیگر به دلیل اینکه اولاً دستیابی و تولید و افزایش توان تخریبی این سلاح‌ها تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی است و به طریق اولی مشمول معنی اصطلاحی محاربه می‌شود و ثانیاً دستیابی به آن مستلزم ضرر و آسیب جدی به محیط‌زیست و در نهایت به انسان و حتی نسل‌های آینده است و ثالثاً به دلیل اینکه برخورداری از این نوع سلاح‌ها ضامن تحکیم و حفظ قدرت‌های دارندگان آن نیست و تولید و انباشت این سلاح‌ها کاری بیهوده و مصداق اسراف و تضييع اموال عمومی است، لذا تولید، نگهداری و افزایش توان تخریبی سلاح‌های کشتار جمعی جایز نبوده و حکم حرمت بر آن جاری است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی

- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، *کفایة الاصول*، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، *شرح نهج البلاغه*، بی‌جا، دار احیاء الکتب العربیه، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
- ابن‌ادریس، محمد بن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- جوهری، اسماعیل، *الصحاح*، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- حب‌الله، حیدر، *دراسات فی الفقه الاسلامی المعاصر*، قم، دارالفقه الاسلامی المعاصر، چاپ اول، ۲۰۱۱م.
- خمینی، روح‌الله، *مناهج الوصول الی علم الاصول*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، ۱۴۱۴ق.
- _____، *تحریر الوسیله*، بی‌جا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- _____، *ولایت فقیه*، بی‌جا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۹.
- خوئی، ابوالقاسم، *دراسات فی علم الاصول*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- _____، (۱۴۲۲ق) *محاضرات فی اصول الفقه*، قم، مؤسسه دار احیاء الآثار الامام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- روحانی، محمدصادق، *زبدة الاصول*، تهران، نشر حدیث دل، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

صدر، سیدمحمدباقر، *دروس فی علم الاصول*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.

طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.

طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر مجمع البیان*، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

طوسی، محمدبن حسن، *النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی*، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.

_____، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

_____، *المبسوط*، تهران، مکتب المرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.

_____، *الخلاف*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

علامه حلی، حسن بن یوسف، *قواعد الاحکام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، قم، انتشارات مرتضوی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.

قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.

کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

مشیرپور، فریبا، *فن آوری هسته‌ای و حفاظت از محیط زیست*، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴.

مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۳۰ق.

مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی ام، ۱۳۸۷.

ممتاز، جمشید، *حقوق بین الملل و سلاح‌های کشتار جمعی*، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.

نصرین مزاحم، منقری، *وقعه صفین*، قاهره، المؤسسة العربیة الحدیثة، چاپ دوم، ۱۳۸۲ق.

نایینی، محمدحسین، *اجودالتقریرات* (تقریرات خوئی)، قم، مطبعة العرفان، چاپ اول، ۱۳۵۲.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسیر راهنما*، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، *قرائت فقهیه معاصره*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.

یزدی، محمد، *فقه القرآن*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

روزنامه کیهان، شماره ۲۱۴۷۴، ششم آبان ۱۳۹۵.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای KHAMENEI.IR

1- foreignpolicy.com/2012/11/30/the.mother.of.all.worst.case.assumptions.about.iran

2- www.monde.diplomatique.fr/2013/06/desporttes/49174